

دنیای مجازی از منظر فلسفه معرفی دو کتاب درباره «اینترنت»

اشاره

کتاب خوب، ابزار کار معلم هوشمند است. ارجاع دادن دانش آموزان به منابع خوب مکتوب برای تعمیق یادگیری و ارتقای فهم بچه‌ها در عصر رسانه‌های پر زرق و برق مجازی می‌تواند دستاوردهای متعددی در آموزش سواد رسانه‌ای داشته باشد. در این بخش یکی از این منابع خوب را به شما معرفی می‌کنیم.

برای عمیق شدن در موضوعات رسانه‌ای، گاهی باید به سراغ اندیشه‌های فلسفی درباره ماهیت رسانه‌ها رفت. هر چند که ورود تخصصی به حیطه «فلسفه رسانه» برای عموم معلمان کار دشواری است، اما هزارچندگاهی، ورق زدن برخی از کتاب‌های تخصصی و نیمه تخصصی در این موضوعات می‌تواند برای معلمان سواد رسانه راهگشا باشد.

از بیست سال پیش تأملات فلسفی درباره «فضای مجازی» و «انقلاب دیجیتال» در محافل دانشگاهی دنیا ظهور و بروز جدی یافته است. کتاب‌های زیادی هم با موضوعات مشابه در ایران ترجمه و منتشر شده‌اند. از میان این آثار، دو کتاب «درباره اینترنت»^۱ و «اینترنت ما»^۲ روایت شیرین‌تر و ناب‌تری از تأملات فلسفی درباره چپستی و چگونگی اینترنت به دست می‌دهند:

کتاب اول را هیوبرت دریفوس^۳ فیلسوف آمریکایی و استاد فلسفه دانشگاه برکلی در سال ۲۰۰۱ م. (۱۳۸۰) نوشته و پنج سال بعد در آن بازنگری کرده است و در ایران هم نشر «ساقی» آن را با ترجمه علی فارسی‌نژاد در سال ۱۳۸۹ چاپ کرده است.

کتاب دیگر را در سال ۲۰۱۶ م. مایکل پاتریک لینچ^۴، استاد فلسفه



دانشگاه کنتیکت آمریکا نوشته است که در ۱۳۹۸ **حامد قدیری** آن را برای نشر «اسم» به فارسی ترجمه کرده است.

هر دو کتاب روی پیش فرض‌هایی که ما دربارهٔ تحولات رقمی (دیجیتال)، گسترش اطلاعات، ارتباطات مجازی و دسترسی به واقعیت داریم، علامت سؤال می‌گذارند و با بررسی‌های جالب فلسفی و طرح انبوهی از مثال‌ها و آزمایش‌ها نشان می‌دهند، اوضاع چندان که به نظر می‌رسد، مرتب نیست!

هیوبرت دریفوس که از منتقدان تأثیرگذار پروژهٔ هوش مصنوعی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی بوده است، در کتاب‌ها و مقالات دیگرش از دیدگاهی پدیدارشناسانه بر تفاوت بنیادی میان انسان‌های متجسد و دارای کالبد و ماشین‌های نامتجسد تأکید کرده است. امروزه پس از چند دهه تلاش مهندسان، درستی انتقادات دریفوس از پروژهٔ هوش مصنوعی آشکار شده و پژوهشگران اصلی هوش مصنوعی به سوی الگوهایی از ذهن انسان با پیچیدگی بیشتر روی آورده‌اند.

در کتاب «دربارهٔ اینترنت» دریفوس به بسط نظر انتقادی‌اش دربارهٔ هوش مصنوعی در مواجهه با پدیدهٔ اینترنت می‌پردازد؛ پدیده‌ای که به قول خودش صرفاً یک ابداع جدید فناورانه نیست، بلکه معرف سنخ جدیدی از ابداعات فناورانه است؛ سنخی که می‌تواند آشکارکنندهٔ ماهیت خود فناوری باشد. به نظر او، تا به حال ابداعات فناورانه در ابتدا برای رفع نیازهایی مشخص به وجود آمده‌اند و سپس عوارض جانبی غیرقابل انتظاری را آفریده‌اند. مثلاً تلفن ابتدا برای تسهیل ارتباطات در تجارت به وجود آمد، اما امروزه به وسیلهٔ متعارفی کاملاً خانگی و حتی برای پرکردن فضای خصوصی بدل شده است. اینترنتی که در ابتدا برای به‌وجودآوردن ارتباط بین دانشمندان به وجود آمد، کاملاً به حاشیه رانده شده و امروز آن قدر فراگیر و مرتباً در حال تغییر است که به جای آن که وسیله‌ای برای برطرف کردن نیازی خاص باشد، هر لحظه کاربرد تازهٔ غافلگیرکننده‌ای برای آن کشف می‌شود. به این ترتیب، به جوهر فناوری، یعنی امکان‌پذیری دسترسی هر چیزی، نزدیک شده است. دریفوس در این جا به پیروی از هایدگر به خطر فناوری مدرن (و اینترنت به عنوان نمونه‌ای کامل از آن) اشاره می‌کند که انسان مدرن در خطر بردگی فناوری مدرن است. در کتاب دوم، مایکل پاتریک لینچ معتقد است، اینترنت هم مانند کتابت، سفر در زمان را ممکن کرده و در عین حال از کتابت فراتر رفته و توانسته است امکان جابه‌جایی را هم برای ما فراهم کند. این شیوهٔ نوین کسب دانش و اطلاعات می‌تواند سایر شیوه‌های دانستن را ضعیف کند. نویسنده البته با نگاهی ضدفناوری به سراغ این موضوع

اینترنتی که در ابتدا برای به‌وجودآوردن ارتباط بین دانشمندان به وجود آمد، کاملاً به حاشیه رانده شده و امروز آن قدر فراگیر و به طور مرتب در حال تغییر است که به جای آنکه وسیله‌ای برای برطرف کردن نیازی خاص باشد، هر لحظه کاربرد تازهٔ غافلگیرکننده‌ای برای آن کشف می‌شود

نرفته است، بلکه صرفاً این دغدغه را دارد که «تحولات سریع در حوزهٔ فناوری نحوهٔ دانستن و نیز مسئولیت‌های ما را در قبال دانشمان تحت تأثیر قرار می‌دهد.» به همین دلیل باید به شیوهٔ استفاده از این فناوری‌ها بیندیشیم.

لینچ در این کتاب مخاطب غیرمتخصص را در نظر داشته است. او به مخاطب می‌گوید، ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که به مدد فناوری‌ها، بدل خودمان را در فضای مجازی ساخته‌ایم؛ بدلی که آن قدر شبیه ماست که گاهی با لکنت و ابهام از خودمان می‌پرسیم: کدام واقعی‌تر است؟ این جسم گوشت‌وخون‌دار یا آن رخ‌نما (پروفایل) پروییمانی که در اینترنت داریم؟ کتاب «اینترنت ما» مواجهه‌ای اجمالاً فلسفی با همین موضوع آمیختگی روزافزون ما با ساحت مجازی است. مایکل لینچ فلسفه‌خواننده‌ای است که علاوه بر مشی دانشگاهی خود، دغدغهٔ انتقال ایده‌های فلسفی به مخاطبان عام را دارد. او در این کتاب با زبانی ساده و بیانی شیوا ادعا می‌کند که اینترنت ما را از فهم جهانمان دور نگه داشته است.

از شما دعوت می‌کنم به پیوست این یادداشت، فیلم سخنرانی کوتاه دکتر مایکل پاتریک لینچ را ببینید که در آن ایدهٔ اصلی کتاب «اینترنت ما» را برای عموم مخاطبان توضیح می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. On the Internet (Routledge, 2006)
2. The Internet of Us: Knowing More and Understanding Less in the Age of Big Data (Liveright Publishing, 2016)
3. https://en.wikipedia.org/wiki/Hubert_Dreyfus
4. https://en.wikipedia.org/wiki/Michael_P._Lynch